

قانون مجازات عمومی

اینک در اجرای مادهٔ فوق و از نظر اینکه ماده نامبرده مدنی بعد از قانون مجازات وضع شده و نیز از طرز تنظیم آن تعبیرات مختلفی بوجود آمده که مهمترین آنرا در باب مجرمی که دارای سوابق محکومیت (تکرار جرم) و در عین حال مستحق تخفیف است بشرح زیر بیان کنیم :

بموجب ماده ۲۵ شق ۳ - مجرمی که بیش از دو سابقه محکومیت جزائی بوده و باز مرتکب جرمی شد مجازات او بکدرجه تشدید میشود و اگر جرم جدید از جمله دزدی و کلاه برداری باشد مجازات او حبس با اعمال شاقه است .

همچنین بموجب مواد مربوطه بتکرار و تعدد جرم میدانیم مجرمینی که دارای سوابق محکومیت جزائی (تکرار) بوده و مرتکب تعدد جرم شوند باید مجازات آنها حد اکثر مجازات مقرر بر ای سایرین باشد .

بنا بر این در مورد مثال مزبور مجازات دزد با کلاه بردار که دارای وضعیت فوق باشد ۱۵ سال حبس با اعمال شاقه است .

حال اگر درباره چنین مجرمی بخواهند تخفیف در مجازات قائل شوند در همین جاست که در تعبیر ماده ۴۵ مکرر بشرح زیرین اختلافاتی بروز میکند :

بدین طریق که :

جمعی معتقدند بموجب صریح قانون و انطباق مورد با مواد ۲۵ و ۴۵ مکرر و ۲ ملحقه باصول محاکمات جزائی باید هم مجازات مجرم حد اکثر حبس با اعمال شاقه بوده و هم مورد مشمول ماده ۴۵ مکرر و برای رعایت تخفیف باید از حد اقل مجازات نام برده

پایین نیاید .

دستهٔ دیگر مخالف این نظر و گویند وقتی مجازات شخص جنائی شد دیگر برای تخفیف آن توسل بماده ۴۵ مکرر بمورد است چه رعایت تخفیف درباره محکومین بمجازات جنائی باید بموجب ماده ۴۴ قانون صورت پذیرد و استدلالشان اینستکه میگویند :

- « ظاهر (۱) از حد اقل و اکثر مذکور در مواد »
- « مربوطه بتعدد و تخفیف حداقل و اکثر مجازات اصلی »
- « جرم است نه حد اقل و اکثر مجازاتی که پس از »
- « رعایت حکم تکرار میباشد تعیین میشود و استفاده از »
- « ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی بیش از این »
- « نیست که در مواردیکه تعیین حد اکثر مجازات »
- « اصل جرم الزامی است در صورت رعایت تخفیف »
- « نمیتوان بکمتر از حد اقل مجازات حکم داد بنابراین »
- « در مواردی که تشدید مجازات بعد اکثر نیست بلکه »
- « بتغییر درجه است مثل بعض موارد تکرار جرم در »
- « آنها این حکم جاری نخواهد بود و تخفیف در »
- « اینگونه موارد برطبق ماده ۴۴ آن قانون بعمل خواهد »
- « آمد »

لکن این نظریه بدلایلی چند قابل قبول نیست :

- ۱ - ماده ۴۴ صریحاً دلالت دارد بر « موارد جنایات » و بهیچوجه نمیتوان آنرا در باره سایر جرائم نیز بکار برد چه فرق است بین جرمی که جنحه بوده و مجازاتش جنائی است (و در ماده ۴۴ کمترین اشاره بآن نشده) با جرمی که ماهیتاً جنائی بوده و قابل تطبیق با ماده ۴۴ باشد .

(۱) تصمیمی است که دیوان عالی تمیز با کثرت اتخاذ نمود (۲۹-۱۲-۳۱۶) .

۲ - همانطور که ماده ۴۴ مربوط و مخصوص جنایات است ماده ۴۵ نیز درباره کلیه جرائم جنحه وضع شده و عبارت قانون که باین طریق شروع میشود: «در موارد جنحه ...» بخوبی موید این معنی است.

۳ - ماده ۴۵ مکرر که پس از وضع مواد نامبرده و بقصد تشدید مجازات مرتکبین تعدد یا تکرار جرم وضع شد بطور مطلق بدون هیچ استثنائی کلیه موارد تکرار و تعدد را شامل است خواه مجازات مجرم يك درجه تشدید و نوعاً تغییر کند و خواه بجدا کثیر مجازات اصل جرم محکوم گردد.

دلیل دیگر تأخر وضع ماده ۴۵ مکرر است بر ماده ۲۵ شق ۳ که با آنکه در ماده اخیر صریحاً ذکر کرده اگر مجرم بیش از دو سابقه محکومیت جزئی دارد مجازات او يك درجه تشدید میشود و از طرفی ماده ۴۵ مکرر که وارد بر آنست توضیح میدهد که:

در « موارد » تکرار یا تعدد ... هر گاه موجبات تخفیف موجود بود میتوان مرتکب را بکمتر از حد کثیر محکوم کرد بدون آنکه از حد اقل پائین بیاید - از اینرو بخوبی واضح است که ماده ۴۵ مکرر مربوط بمطلق مجرمین است اعم از مرتکبین جنحه یا جنایت و در تخفیف مجازات باید نفس جرم را در نظر گرفت نه میزان مجازات را.

رعایت اصل فوق نه تنها برخلاف صریح قانون و منظور قانونگذار در تشدید مجازات مرتکبین تکرار جرم بخصوص است بلکه موجب نقض عدالت و ظلم بسایر مجرمین و ارفاق بی نهایت و خارج از تناسب بدسته اول است چه فرض کنیم دو نفر هر دو مرتکب چند جرم شده اند که یکی از آنها دارای سه سابقه محکومیت مؤثر هم بوده و دیگری بدون هیچ سابقه و جرمش نیز در ردیف و کلاه برداری

نیست اگر بمقیده این دسته از علماء رفتار کنیم در باره مجرم اول که مجازاتش جنائی است میتوانیم دو درجه تخفیف قائل و او را بحبس تأدیبی محکوم نمائیم و درباره کسی که مرتکب تعدد جرم شده نیز چون باید حد اکثر مجازات را قائل شویم.

بدین طریق مجازات مجرمی که هم دارای سوابق متعدده (و بنا بر این قانونگذار نظر بطرد آنها و تشدید مجازاتشان داشته) وهم سنیخ جرائم مرتکبه از جمله دزدی و کلاه برداری که جرم مهم اند بوده وهم مجازات جنائی را مستحق بوده نوعاً با مجرم دیگری که مثلاً مرتکب ایراد ضرب (بر اثر تهییج و تحریک) و توهین یا جرائم مربوطه بغت و ناموس ناشیه از تهییج احساسات یکی بگیریم همچنین منطقی نیست که کسی را که باید بجدا کثیر مجازات محکوم کنیم فقط بجدا اقل (در تمام تخفیف) پائین بیائیم ولی کسی که مجازاتش جنائی است دو درجه بتوانیم باو تخفیف دهیم.

از طرف دیگر بسیار اتفاق می افتد که مجرمینی که دارای سه سابقه محکومیت اند با فرض تعدد بطریق فوق حبس با اعمال شاقه شان تبدیل به ۲ سال حبس تأدیبی گردیده مجازاتشان بنهایت خفیف تر از مجرمین گردد که دارای يك سابقه محکومیت (شق ۲ از بند يك ماده ۲۵) و باید مجازات آنها میزاناً بیشتر از حد اکثر مجازات جرم دوم (در سرقت ماده ۲۲۶ یا ۲۴۱ و امثال آنها ۳ سال) باشد که با فرض تعدد و تخفیف باید بهمان ۳ سال قناعت نمود و حال آنکه مسلم است نظر قانونگذار و منطق قضائی بر شدیدتر بودن مجازات دسته اول از دسته دوم است.